

ارزیابی پیکره‌بنیاد مفروضات نظریه استعاره مفهومی: بررسی موردی استعاره «بحث به مثابه جنگ» در زبان فارسی

رامین گلشائی^{۱*}، ارسلان گلغام^۲، سید مصطفی عاصی^۳، فردوس آقاگل‌زاده^۴

۱. استادیار زبان‌شناسی رایانه‌ای، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، تهران، ایران

۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. استاد زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

۴. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۹۱/۵/۲۶

پذیرش: ۹۱/۱۰/۱۲

چکیده

در این پژوهش دو فرض نظریه استعاره مفهومی با استفاده از روش پیکره‌بنیاد مورد ارزیابی قرار گرفت. طبق فرض اول، زبان استعاری جایگاهی فرعی نسبت به استعاره‌های مفهومی ذهنی دارد و طبق فرض دوم، استعاره‌های زبانی متعارف نظام‌مند هستند. پیکره‌های پنجاه میلیون کلمه‌ای از پیکره همشهری به‌طور تصادفی نمونه‌گیری و به وسیله نرم‌افزار AntConc تحلیل شد. یافته‌های حاصل از تحلیل پیکره‌ای حاکی از تأیید نشدن فرض نخست و تأیید نسبی فرض دوم نظریه استعاره مفهومی هستند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که الگوهای معنایی استعاره‌های زبانی پیچیده‌تر از پیش‌بینی‌های نظریه استعاره مفهومی هستند و عوامل کاربرد زبان در شکل‌دهی به معنای استعاره‌های زبانی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

واژگان کلیدی: نظریه استعاره مفهومی، زبان فارسی، زبان‌شناسی پیکره‌ای، کاربرد زبان، باهم‌آیی.

۱. مقدمه

نظریه استعاره مفهومی^۱ Lakoff, 1993; Lakoff & Johnson, 2003 [1980]; Lakoff, & (Turner, 1989) یکی از بنیادی‌ترین نظریه‌های علوم شناختی و زبان‌شناسی شناختی است که به استعاره^۲ جایگاهی ویژه در ساختاربنی‌تفکر و شناخت انسان می‌دهد. رویکرد مفهومی یا شناختی به استعاره، مبتنی بر *تشناخت جسمیت‌یافته*^۳ است (Johnson, 1987) که نقش جسم و تجربه را در شکل‌دهی به تفکر و معنا، نقشی بنیادین می‌شمارد. در نظریه استعاره مفهومی یک مفهوم که معمولاً ملموس‌تر است و به حوزه مبدأ^۴ استعاره متعلق است، برای درک مفهومی به کار می‌رود که معمولاً انتزاعی‌تر است و به حوزه هدف^۵ استعاره تعلق دارد. هنگامی که پیوندی میان حوزه‌های مبدأ و هدف شکل می‌گیرد، گفته می‌شود که میان حوزه‌های مبدأ و هدف، نگاشت^۶ به وجود آمده است، بنابراین طبق این نظریه، هنگامی که بین دو حوزه نگاشت برقرار می‌شود، مفاهیم حوزه هدف به‌طور جزئی به واسطه مفاهیم حوزه مبدأ درک و فهمیده می‌شوند. برای نمونه در عبارت «زمان طولانی»، واژه «طولانی» مفهومی فضایی و متعلق به حوزه مبدأ «مکان» است که برای توصیف مفهوم انتزاعی «زمان» به کار گرفته شده است؛ به سخن دیگر، حوزه مکان به حوزه زمان نگاشت شده است.

در نظریه استعاره مفهومی دو اصل مفروض است؛ یکی ثانوی بودن نقش استعاره‌های زبانی نسبت به استعاره‌های مفهومی یا ذهنی (Lakoff & Johnson, 2003: 272) و دیگری، نظام‌مندی استعاره‌های زبانی متعارف (Ibid: 55). پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. آیا استعاره‌های زبانی ماهیتی فرعی و ثانوی نسبت به استعاره‌های مفهومی (ذهنی) دارند؟
۲. با توجه به شواهد پیکره‌ای، آیا استعاره‌های زبانی متعارف، نظام‌مند هستند؟

در نظریه استعاره مفهومی، از آنجا که سامانه مفهومی، مستقل از زبان منشاء شکل‌گیری استعاره‌های مفهومی است، داده‌های زبانی فقط حکم سرنخ‌هایی را دارند که به وسیله آنها می‌توان به ماهیت مفهوم‌سازی در سامانه شناختی انسان پی برد. هدف این پژوهش بازاندیشی نقش نظام زبان در معنای عبارات استعاری و بررسی این مسئله است که آیا میان معنای استعاره‌های زبانی و معنای استعاره‌های مفهومی رابطه یک‌به‌یک وجود دارد و زبان مانند آینه، منعکس‌کننده ساختار مفهومی و استعاری ذهن انسان است یا اینکه این رابطه دیالکتیکی است و خود نظام زبان (به‌واسطه کاربرد) می‌تواند در شکل‌دهی و تغییر معنایی نقش ایفا کند.

در این پژوهش با استفاده از روش کمی و پیکره‌بنیاد به بررسی دو فرض ۱ و ۲ در زبان فارسی می‌پردازیم. در بخش دوم، پیشینه رویکرد پیکره‌بنیاد به استعاره را مرور خواهیم کرد؛ در بخش سوم مواد و روش به کار گرفته شده در تحلیل‌های پیکره‌ای و نرم‌افزار مورد استفاده را معرفی خواهیم کرد؛ در بخش چهارم تحلیل‌های پیکره‌ای انجام شده را ارائه خواهیم کرد و در بخش پنجم نتایج حاصل از این پژوهش را جمع‌بندی و پیامدهای آن را در نظریه استعاره مفهومی بحث خواهیم کرد.

۲. پیشینه پژوهش

لیکاف و جانسون عبارات استعاری متعارف^۷ در زبان انگلیسی را مورد بررسی قرار داده‌اند و استعاره‌های مفهومی نهفته در آن‌ها را استخراج کرده‌اند. جملات زیر به‌عنوان شواهدی بر وجود استعاره مفهومی بحث به مثابه جنگ^۸ ارائه شده‌اند (Lakoff & Johnson, 2003: 4):

1. Your claims are indefensible.
2. He attacked every weak point in my argument.
3. His criticisms were right on target.
4. He shot down all of my arguments.

در مثال‌های ۱ تا ۴، عباراتی که زیر آن‌ها خط کشیده شده است، به حوزه مبدأ جنگ تعلق دارند که به‌طور استعاری برای اندیشیدن (در سطح تفکر) و صحبت (در سطح زبان) در مورد حوزه هدف بحث به‌کار رفته‌اند؛ به عبارت دیگر، از آنجا که مفهوم بحث انتزاعی‌تر از مفهوم جنگ است، از واژه‌های مربوط به حوزه ملموس‌تر جنگ استفاده شده تا مفهوم انتزاعی بحث درک شود. لیکاف و جانسون با آوردن مثال‌های بی‌شماری از این گونه، شمایی کلی از ماهیت مفهومی استعاره‌های زبانی ترسیم کرده‌اند.

آن‌ها در بررسی استعاره‌های مفهومی به‌طور مشخص ذکر نکرده‌اند که مثال‌های زبانی خود را از چه منبعی و با چه روش‌شناسی نظام‌مندی گردآوری کرده‌اند، از این‌رو همان‌طور که دینان^۹ نیز اشاره می‌کند (Ibid, 2005: 110)، به نظر می‌رسد داده‌های زبانی لیکاف و جانسون بر شم زبانی مبتنی بوده‌اند. روش شمی گردآوری داده‌های زبانی روش قابل اطمینانی نیست و از سوی برخی روان‌شناسان زبان (Gibbs, 2006) و زبان‌شناسان شناختی (Grondelaers & et al., 2006) مورد انتقاد واقع شده است. بر خلاف روش شمی، در رویکرد کاربردبنیاد

(Bybee, 2010) زبان در بافت اصیل کاربردش مطالعه می‌شود و پیکره‌های زبانی که مجموعه‌ای عظیم از متون زبانی هستند، منبع قابل اعتمادی برای نشان دادن کاربرد اصیل زبان هستند. روش پیکره‌بنیاد مزایایی نسبت به شم زبانی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به برتری در ذخیره و جست‌وجوی منابع عظیم متنی اشاره کرد (85). همچنین به باور زبان‌شناسان پیکره‌ای (Sinclair, 1991)، انسان‌ها در توصیف تولید زبان خود عملکرد ضعیفی دارند و به دلایلی دسترسی به دانش زبانی خارج از بافت، آسان نیست.

برخی از پژوهشگران زبان برای مطالعه استعاره‌های مفهومی در بافت اصیل زبانی از روش پیکره‌ای استفاده کرده‌اند (Cameron & Deignan, 2006; Deignan, 2005, 2006, 2008; Sanford, 2010; Steen, 2007; Steen & et al., 2010; Stefanowitsch & Gries, 2006; Svanlund, 2007). نتایج این پژوهش‌ها گاهی در چارچوب نظریه استعاره مفهومی به‌طور کامل قابل تبیین نیستند؛ برای نمونه، دینان (2005) ویژگی‌های دستوری، معنایی و هم‌آیندی استعاره‌های زبانی را بررسی کرده است. او نشان می‌دهد که نظریه استعاره مفهومی قادر به تبیین کامل الگوهای زبانی موجود در عبارات استعاری نیست. همچنین طبق یافته‌های وی برخی از نمونه‌های زبانی استعاره‌های مفهومی نه‌تنها در پیکره زبانی نادر هستند، بلکه از لحاظ معنایی غیر متعارف نیز هستند.

کامرون و دینان (2006) از مفهوم پدیداری^{۱۰} برای تبیین رفتار عبارات زبانی استعاری استفاده می‌کنند. آن‌ها دو شیوه بررسی داده‌های زبانی را تلفیق می‌کنند؛ در یک شیوه به بررسی دقیق گفتمان پیوسته می‌پردازند تا در بافت غنی متن، صورت‌های پدیداری را رصد و شناسایی کنند و در روش دیگر به کمک رایانه، نمونه‌های وسیعی از عبارات و واژه‌های خاص را در بافت‌های گسترده بررسی می‌کنند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد عبارات غیر لفظی^{۱۱} با صورتی نسبتاً تثبیت‌شده و معناشناسی و کاربردشناسی ویژه، بسامد بالایی در داده‌هایشان دارند و در چارچوب نظریه شناختی استعاره تبیین‌پذیر نیستند.

سوانلوند (2007) با استفاده از رویکرد پیکره‌ای، عبارات استعاری مربوط به مفهوم «وزن» را در زبان سوئدی بررسی کرده است. نتایج بررسی وی نشان می‌دهد که قدرت استعاری عبارات استعاری مختلف که به حوزه مبدأ واحدی متعلق هستند، متفاوت است. در پژوهشی دیگر، سانفورد (2010) با رویکردی کاربردبنیاد و مبتنی بر پیکره، استعاره‌های مفهومی مختلف

در زبان انگلیسی را بررسی می‌کند. نتایج مطالعات وی نشان می‌دهد که عوامل زبانی نظیر بسامد کاربرد، بر نحوه بازنمایی استعاره‌های مفهومی زبانی تأثیر دارند و استعاره‌های زبانی پربسامد، زایاتر، قابل دسترس‌تر و پذیرفتنی‌تر از استعاره‌های زبانی کم‌بسامد هستند. پژوهش‌های انجام‌شده روی استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی بیشتر به صورت توصیفی- تطبیقی هستند و روی طیف وسیعی از انواع متون، نظیر متون مذهبی (نورمحمدی، ۱۳۸۷؛ پورابراهیم، ۱۳۸۸)، شعر (حسن‌دخت، ۱۳۸۸)، سیاسی و مطبوعاتی (فیروزیان پوراصفحانی، ۱۳۸۸؛ شهری، ۱۳۹۰) و زبان روزمره (یوسفی‌راد، ۱۳۸۲؛ قانون، ۱۳۸۶) انجام شده‌اند. بیشتر این پژوهش‌ها با بررسی متون فارسی (و یا مقابله آن با زبان‌های دیگر نظیر اسپانیایی (افراشی و همکاران، ۱۳۹۱) و شناسایی عبارات استعاری، وجود استعاره‌های مفهومی در عبارات زبان فارسی و واقعیت جهان‌شمولی آن را تأیید کرده‌اند؛ برای نمونه، یوسفی‌راد (۱۳۸۲) استعاره مفهومی زمان به مثابه مکان را در زبان فارسی بررسی کرده است. تحقیقات وی، وجود این استعاره و همچنین دو حالت ناظر متحرک^{۱۲} و زمان متحرک^{۱۳} را در زبان فارسی تأیید می‌کنند؛ مثلاً جمله «داریم به عید نزدیک می‌شویم»، نمونه حالت ناظر متحرک و جمله «عید کم کم از راه رسید» نمونه حالت زمان متحرک است. برخی دیگر از پژوهش‌ها در مورد استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی جنبه روان‌شناختی دارند و مسائل رشدی و پردازشی آن را مطالعه کرده‌اند (ده‌صوفیانی، ۱۳۸۵؛ حسینی، ۱۳۸۵؛ Ranginkaman, 2007). به نظر می‌رسد پژوهشی که به بررسی اصول و پیش‌فرض‌های نظریه استعاره مفهومی در زبان فارسی پرداخته باشد، تاکنون انجام نشده است. پژوهش حاضر را با هدف پر کردن این خلاء در پژوهش‌های شناختی استعاره در زبان فارسی انجام داده‌ایم.

۳. روش پژوهش

۳-۱. تعریف مفهومی و عملیاتی فرضیه‌ها

لیکاف و جانسون پس از بررسی بسیاری از موارد زبانی و استخراج استعاره‌های مفهومی نهفته در عبارات زبانی متعارف، فرض‌هایی اساسی در مورد استعاره‌های مفهومی و ماهیت آن‌ها مطرح می‌کنند. دو فرضی که در این مقاله بررسی خواهیم کرد، عبارت‌اند از:

۱. استعاره‌های مفهومی در سطح تفکر عمل می‌کنند و زبان استعاری فقط بازنمود این

ساختارهای استعاره‌ی تفکر است؛ بنابراین نقش زبان استعاره‌ی در مقایسه با تفکر استعاره‌ی حاشیه‌ای و فرعی است (Johnson, 2003: 272).

۲. در استعاره‌های زبانی متعارف که صورتی تثبیت‌شده^۴ دارند، رابطه‌ی میان مفاهیم حوزه‌ی مبدأ و هدف نظام‌مند است.

عباراتی نظیر *wasting time, attacking positions, going our separate ways* و غیره، بازتابی از مفاهیم استعاره‌ی نظام‌مند ما هستند که کنش‌ها و تفکر ما را ساختاربندی می‌کنند. این استعاره‌ها به معنای اساسی کلمه «زنده» هستند. آن‌ها استعاره‌هایی هستند که با آن‌ها زندگی می‌کنیم. این واقعیت که این استعاره‌ها در واژگان^۵ زبان انگلیسی تثبیت شده‌اند، چیزی از «زنده» بودن آن‌ها نمی‌کاهد (Ibid: 55).

استعاره‌های نظام‌مند به این دلیل نظام‌مند خوانده می‌شوند که مثلاً کلماتی نظیر *attack, defend* و *position* به حوزه‌ی مبدأ جنگ تعلق دارند، اما به صورت منظم و منسجم برای گفت‌وگو درباره‌ی حوزه‌ی هدف بحث به کار می‌روند.

برای اینکه بتوانیم دو فرض نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی را به صورت کمی و پیکره‌ای بررسی کنیم، باید این فرض‌ها از صورت مفهومی خارج شوند و در قالبی عملیاتی تعریف شوند. طبق فرض اول، استعاره‌های زبانی بازتاب استعاره‌های مفهومی (ذهنی) هستند و این استعاره‌های مفهومی مستقل از زبان در سطح تفکر عمل می‌کنند. براساس تحلیل دینان (2005) می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که چون نقش زبان نسبت به استعاره‌های مفهومی فرعی است، هرگونه دگرگونی جزئی در صورت واژه‌های حوزه‌ی مبدأ، نظیر تبدیل صورت مفرد به جمع، تأثیری در کیفیت معنای استعاره‌ی آن نخواهد داشت، زیرا تبدیل صورت مفرد به جمع تمایزی دستوری و وابسته به زبان است و محتوای مفهومی آن واژه را از اساس دچار دگرگونی نمی‌کند. اینکه تمایز میان مفرد و جمع دستوری است، به این معنی نیست که تمایز دستوری هیچ تمایز مفهومی به دنبال ندارد، بلکه در اینجا منظور این است که تمایز دستوری، تغییری در هسته‌ی مفهومی واژه‌ی موردنظر ایجاد نمی‌کند؛ مثلاً محتوا و هسته‌ی مفهومی «سیب‌ها» به واسطه‌ی جمع بودن آن، چیزی متفاوت از «سیب» نیست و این دو مفهوم از لحاظ رمزگردانی مفهوم کمیت متفاوت هستند. در فرض دوم از نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی، ادعا می‌شود استعاره‌های مفهومی متعارف نظام‌مند هستند و این نظام‌مندی مفهومی طبق فرض اول به زبان نیز منتقل می‌شود؛ برای نمونه، در استعاره‌ی بحث به مثابه جنگ، عبارتی نظیر «دفاع از موضع...»، «حمله به مواضع...»،

«عقب‌نشینی» و ... که از واژه‌های مفهوم جنگ هستند، برای ساختاربندی بخشی از مفاهیم حوزه بحث به کار می‌روند که به معنی انتقال انسجام و ارتباط مفهومی میان واژه‌های مربوط به حوزه جنگ به حوزه بحث است. به این ترتیب، می‌توانیم استنباط کنیم که واژه‌ها یا عبارات تثبیت‌شده حوزه جنگ که در حوزه بحث به کار می‌روند، کاربرد و معنای جنگی یا لفظی^{۱۶} (غیر استعاری) هم دارند؛ به عبارت ساده‌تر، «زبان استعاری در حوزه مبدأ معنای لفظی دارد» (Lakoff & Johnson, 2003: 265)، زیرا اگر عبارات استعاری در معنای لفظی خود به کار نروند، استعاره مرده محسوب خواهند شد و نظام‌مندی خود را از دست خواهند داد؛ مثلاً لیکاف و ترنر دلیل اینکه واژه comprehend (برگرفته از ریشه لاتین comprehendere به معنای «گرفتن») در زبان انگلیسی یک عبارت استعاری مرده محسوب می‌شود را عدم کاربرد این واژه در معنای لفظی و بنیادینش می‌دانند (Lakoff & Turner, 1989: 129). به این ترتیب، پیش‌بینی می‌شود عبارات استعاری متعارف و تثبیت‌شده هم کاربرد استعاری و هم کاربرد لفظی در پیکره زبانی داشته باشند.

۲-۳. انتخاب استعاره

استعاره‌ای که برای بررسی فرضیه‌های این پژوهش انتخاب شده است، استعاره مفهومی بحث به مثابه جنگ است. این استعاره یکی از استعاره‌هایی است که در پژوهش‌های استعاری بسیار بررسی شده است و لیکاف و جانسون (2003) هم به آن پرداخته‌اند. پس از انتخاب استعاره مفهومی موردنظر، عباراتی که نمود این استعاره مفهومی بودند باید از پیکره استخراج می‌شدند. لیکاف و جانسون نمونه‌هایی از واژه‌های مرتبط با این استعاره را که آن‌ها را کلیدواژه^{۱۷} می‌نامیم، ارائه می‌دهند. این کلیدواژه‌ها در فارسی برابریابی شدند و مبنای جست‌وجوی پیکره‌ای قرار گرفتند. استعاره بحث به مثابه جنگ، استعاره‌ای بنیادین^{۱۸} محسوب می‌شود (Grady, 1997) که به این معنی است که کارکرد کلی استعاره در زبان فارسی تفاوت چندانی با نمونه‌های انگلیسی آن نداشته باشد، زیرا استعاره‌های بنیادین براساس همبستگی تجربی^{۱۹} شکل می‌گیرند و به همین دلیل استعاره‌های جهان‌شمول هستند. برای اطمینان اولیه از اینکه کلیدواژه‌های انتخاب‌شده برای حوزه مبدأ استعاره بحث به مثابه جنگ در زبان فارسی نیز کاربرد دارند، این کلیدواژه‌ها را در موتور جست‌وجوی گوگل جست‌وجو کردیم و نمونه‌های



یافت‌شده را بررسی کردیم. در جدول ۱ کلیدواژه‌های انگلیسی و متناظر فارسی آن‌ها را ارائه کرده‌ایم.

جدول ۱ کلیدواژه‌های انگلیسی و متناظر فارسی آن‌ها برای استعاره بحث به مثابه جنگ

کلیدواژه انگلیسی	کلیدواژه متناظر فارسی
attack	حمله
position(s)	موضع (مواضع)
defend	دفاع
retreat	عقب‌نشینی

نمونه‌های ۱ تا ۵، موارد کاربرد لفظی کلیدواژه‌های استعاره بحث به مثابه جنگ را در زبان فارسی نشان می‌دهند:

۱. مهمات دوربرد پیشرفته برای تخریب مواضع دشمنان است (مردمسالاری، ۸/۶/۸۹).
 ۲. جنگنده‌های ارتش ترکیه، ۷۰ موضع شورشیان کرد را هدف قرار دادند (فارس‌نیوز، ۱۵/۱۱/۸۶).
 ۳. عراق از روسیه سیستم دفاع موشکی می‌خرد (خبرآنلاین، ۱۴/۵/۹۱).
 ۴. حمله ناوشکن‌ها و زیردریایی‌های ارتش به یگان‌های دشمن فرضی (فارس‌نیوز، ۱۵/۳/۹۰).
 ۵. اسرائیل حق به تعویق انداختن عقب‌نشینی ارتش خود به مدت سه هفته را دارد (پیکره همشهری ۲).
- نمونه‌های بالا نشان می‌دهند که کلیدواژه‌های فارسی برابریابی‌شده معنای لفظی (غیراستعاری) متداولی دارند. همچنین «وزارت دفاع» یا «دفاع مقدس» نمونه‌های دیگری با کاربرد لفظی هستند که صورتی تثبیت‌شده به خود گرفته‌اند.

۳-۳. پیکره و ابزار کار

در این پژوهش پیکره‌ای پنجاه میلیون کلمه‌ای را به‌کار بردیم که به صورت تصادفی از پیکره همشهری ۲ نمونه‌گیری کردیم. پیکره همشهری ۲ توسط گروه پژوهشی پایگاه داده دانشگاه تهران تهیه شده است (AleAhmad & et al., 2009) و مجموعه‌ای از متون مطبوعاتی (با موضوعات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، علمی و ...) است که از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۷ گردآوری شده است و حدود ۱۵۰ میلیون کلمه دارد.

برای جست‌وجوی استعاره‌های متعارف در پیکره از روش دینان (2005) استفاده کردیم؛ به این ترتیب که کلیدواژه‌های حوزه مبدأ استعاره در پیکره را جست‌وجو کردیم و فهرست واژه‌نمای^{۲۰} آن‌ها را مورد بررسی قرار دادیم تا کاربردهای استعاری و لفظی آن‌ها مشخص شود. فهرست واژه‌نما نقطه آغاز جست‌وجوی پیکره‌ای است و بافت زبانی چپ و راست نمونه‌های واژه یا عبارت مورد نظر را به صورت ردیف‌های پشت سرهم نشان می‌دهد (Sinclair, 2003). از آنجا که طبق تعریف لیکاف و جانسون عبارات استعاری مرتبط با استعاره‌های مفهومی متعارف حالتی تثبیت‌شده در واژگان ذهنی دارند (Lakoff & Johnson, 2003: 54)، از این تعریف در جست‌وجوی عبارات استعاری متعارف در پیکره استفاده کردیم. عبارات تثبیت‌شده عباراتی هستند که به‌طور مرتب و به صورت غیر تصادفی در همسایگی یکدیگر ظاهر می‌شوند. در زبان‌شناسی پیکره‌ای به این هم‌وقوعی غیر تصادفی چند کلمه در همسایگی یکدیگر باهم‌آیی^{۲۱} می‌گویند و کلماتی که در این هم‌وقوعی حضور دارند، هم‌آیند^{۲۲} یکدیگر محسوب می‌شوند. برای محاسبه هم‌آیندهای کلیدواژه‌های حوزه مبدأ از نرم‌افزار AntConc (Anthony, 2011) استفاده کردیم. این نرم‌افزار می‌تواند هم‌آیندهای واژه‌ها را براساس مقیاس نمره تی^{۲۳} و اطلاعات متقابل^{۲۴} محاسبه کند. هم‌آیندها براساس مقیاس اطلاعات متقابل (MI) محاسبه شدند و آن‌هایی که بسامد وقوعشان بیش از ۱۶ نمونه بود، مؤثر^{۲۵} تلقی شدند.

برای آزمودن فرض اول پژوهش، کلیدواژه مفرد «موضع» را به همراه صورت جمع آن، یعنی «مواضع» انتخاب کردیم و به صورت فهرست واژه‌نما مورد مطالعه قرار دادیم. سپس کاربردهای لفظی و استعاری این دو صورت واژگانی را مورد شمارش قرار دادیم و تفاوت‌های معنایی آن‌ها را بررسی کردیم. برای آزمودن فرضیه دوم، هم‌آیندهای مؤثر کلیدواژه‌های «موضع»، «مواضع»، «حمله»، «دفاع» و «عقب‌نشینی» را از پیکره استخراج کردیم و کاربردهای

لفظی و استعاری آن‌ها را در بافت هم‌آیندهای مؤثرشان مورد مطالعه قرار دادیم.

۴. تحلیل داده‌ها^{۲۶}

۴-۱. کاربرد «موضع» و «مواضع»

برای شمارش معانی استعاری و لفظی دو کلیدواژه «موضع» و «مواضع»، همه موارد کاربرد آن‌ها را توسط رایانه استخراج کردیم و به بررسی فهرست واژه‌نمای هریک از این دو صورت زبانی پرداختیم. برخی از نمونه‌های بررسی‌شده، معنایی غیر از معنای موردنظر استعاری/ لفظی داشتند که در شمارش مورد توجه قرار نگرفتند. برخی دیگر از نمونه‌ها نیز در واژه مرکب «موضع‌گیری» به کار رفته بودند و به دلیل عدم رعایت نیم‌فاصله هنگام تهیه متن، به اشتباه توسط نرم‌افزار شمارش شده بودند که این موارد نیز در تحلیل مورد توجه قرار نگرفتند. جدول ۲، تعداد صورت‌های زبانی «موضع» و «مواضع» در پیکره را به تفکیک معانی لفظی و استعاری نشان می‌دهد.

جدول ۲. بسامد معانی استعاری و لفظی کلیدواژه‌های «موضع» و «مواضع»

کلیدواژه	بسامد کل	استعاری	لفظی	غیر مرتبط
موضع	۴۴۳۱	۳۲۹۷	۴۹	۱۰۸۵
مواضع	۲۵۲۹	۲۲۷۰	۲۵۴	۵

با توجه به جدول ۲، معنای استعاری کلیدواژه‌های «موضع» و «مواضع» پربسامدتر از معنای لفظی آن‌ها است. در مقایسه دو کلیدواژه، معنای استعاری کلیدواژه «موضع» پربسامدتر از کلیدواژه «مواضع» است، درحالی‌که معنای لفظی کلیدواژه «مواضع» پربسامدتر از کلیدواژه «موضع» است. این داده‌ها نشان می‌دهند که تفاوت توزیع معنای لفظی و استعاری در دو کلیدواژه «موضع» و «مواضع» که تفاوتشان در شمار دستوری است، بسیار معنی‌دار است ($\chi^2=217/31, df=1, p<0/001$). برای بررسی فرض دوم، هم‌آیندهای کلیدواژه‌های «موضع» و «مواضع» را محاسبه و فهرست واژه‌نمای آن‌ها بررسی کردیم. جدول ۳، نتایج تحلیل

کلیدواژه «موضع» را به همراه هم‌آیندهای مؤثرش نشان می‌دهد.

جدول ۳ بسامد هم‌آیندهای راست و چپ کلیدواژه «موضع» به تفکیک معنای استعاری و لفظی

کلیدواژه	هم‌آیند	بسامد کل	استعاری	لفظی
	تغییر –	۱۰۶	۱۰۶	۰
	اعلام –	۸۷	۸۷	۰
	اتخاذ –	۵۰	۵۰	۰
	تقویت –	۳۷	۳۵	۲
موضع	– رسمی	۷۸	۷۸	۰
	– دولت	۶۹	۶۹	۰
	– ضعف	۴۰	۴۰	۰
	– قدرت	۳۷	۳۷	۰
	– مشترک	۲۸	۲۸	۰
	– دفاع	۲۵	۲۵	۰
	مجموع		۵۵۷	۵۵۵
درصد			٪۹۹	٪۱

از مجموع ۱۰ هم‌آیند راست و چپ کلیدواژه «موضع» که مجموع بسامدهایشان ۵۵۷ مورد می‌شود، تنها دو مورد با معنای لفظی به کار رفته‌اند؛ یعنی معنای مرتبط با مفهوم جنگ در کلیدواژه «موضع» در بافت هم‌آیندهای آن بسیار ضعیف است. با بررسی معنای «موضع» در فهرست واژه‌نما، معنایی نزدیک به «دیدگاه»، «سیاست» یا «رویکرد» از آن استنباط می‌شود. حال طبق فرض اول نظریه استعاره مفهومی، در مورد کلیدواژه «موضع» نیز باید شاهد الگوی معنایی مشابه با «موضع» باشیم. داده‌های مربوط به بررسی کلیدواژه «موضع» در بافت هم‌آیندهای آن را در جدول ۴ آورده‌ایم.

جدول ۴ بسامد هم‌آیندهای راست و چپ کلیدواژه «موضع» به تفکیک معنای استعاره‌ای و لفظی

کلیدواژه	هم‌آیند	بسامد کل	استعاره‌ای	لفظی
	اتخاذ –	۶۹	۶۹	۰
	اعلام –	۴۸	۴۸	۰
	تشریح –	۴۴	۴۴	۰
	علیه –	۲۱	۳	۱۸
موضع	– دولت	۴۲	۴۲	۰
	– اصولی	۴۰	۴۰	۰
	– سیاسی	۳۷	۳۷	۰
	– رسمی	۳۵	۳۵	۰
	– طالبان	۲۸	۱	۲۷
	– نیروهای	۱۷	۵	۱۲
مجموع		۳۸۱	۳۲۴	۵۷
درصد			٪۸۵	٪۱۵

در مقایسه هم‌آیندهای واژه «موضع» و «موضع» موارد جالبی دست می‌یابیم؛ مثلاً هم‌آیند «تغییر» در فهرست هم‌آیندهای مؤثر «موضع» دیده نمی‌شود و واژه «علیه» از هم‌آیندهای «موضع»، در فهرست هم‌آیندهای «موضع» وجود ندارد. با بررسی فهرست واژه‌نمای باهم‌آیی «علیه موضع» مشخص می‌شود که از کل ۲۳ مورد کاربرد در پیکره، ۱۸ مورد آن معنای لفظی (جنگی) و تنها ۳ مورد معنای استعاره‌ای دارد. این مسئله در مورد باهم‌آیی‌های «موضع طالبان» و «موضع نیروهای» نیز دیده می‌شود که کاربرد مرتبط با معنای جنگی در آن‌ها بیشتر است. در جمع‌بندی تحلیل دو کلیدواژه «موضع» و «موضع» می‌توانیم بگوییم که کلیدواژه «موضع» در بافت هم‌آیندهای مؤثر خود معنای عمدتاً استعاره‌ای دارد و کاربرد لفظی آن بسیار ناچیز است. با تغییر صورت مفرد «موضع» به صورت جمع «مواضع»، الگوی معنایی تغییر می‌کند و برخی باهم‌آیی‌ها معنای لفظی پیدا می‌کنند. به این ترتیب، فرض اول پژوهش تأیید نمی‌شود. این تحلیل‌ها همچنین نشان می‌دهند که معنای لفظی و استعاره‌ای در باهم‌آیی‌های دو کلیدواژه «موضع» و «مواضع» به‌طور متعادل توزیع نشده‌اند که انگاشت نظام‌مندی مطلق در فرض دوم پژوهش را مخدوش می‌کند. در بخش‌های بعد، با بررسی سه کلیدواژه دیگر، فرض دوم را

بیشتر مورد واکاوی قرار خواهیم داد.

۲-۴. تحلیل باهم‌آیی‌های «حمله»

واژه «حمله» یکی دیگر از کلیدواژه‌های متعلق به حوزه مبدأ جنگ است. همانند تحلیل «موضع/ مواضع»، هم‌آیندهای مؤثر «حمله» را توسط نرم‌افزار محاسبه کردیم و فهرست واژه‌نمای این کلیدواژه را مورد بررسی قرار دادیم. جدول ۵ تحلیل‌های مربوط به این کلیدواژه را نشان می‌دهد.

جدول ۵ بسامد هم‌آیندهای راست و چپ کلیدواژه «حمله» به تفکیک معنای استعاری و لفظی

کلیدواژه	هم‌آیند	بسامد کل	استعاری	لفظی
	هدف -	۱۰۸	۸	۱۰۰
	دستور -	۴۳	۰	۴۳
	نظامی -	۶۷۸	۰	۶۷۸
	تروریستی -	۱۷۰	۰	۱۷۰
حمله	انتحاری -	۹۸	۰	۹۸
	نیروهای -	۷۹	۰	۷۹
	علیه -	۶۹	۲	۶۷
	موشکی -	۵۸	۰	۵۸
	گسترده -	۳۹	۰	۳۹
	شدید -	۲۶	۲۱	۵
مجموع		۱۳۶۸	۳۱	۱۳۳۷
درصد			٪۳	٪۹۷

با نگاهی به درصد معنای استعاری و لفظی «حمله» در بافت هم‌آیندهای مؤثر خود، روشن می‌شود که کاربرد این کلیدواژه بیشتر با حوزه جنگ مرتبط است. تنها در یک نمونه، قبل از هم‌آیند «شدید»، کاربرد این کلیدواژه استعاری است. در مورد کلیدواژه «حمله» نیز توزیع معنای استعاری و لفظی غیر متعادل است؛ به عبارت دیگر، هم‌آیندهایی که با کلیدواژه «حمله» همراه هستند، معمولاً به یکی از دو مقوله معنایی استعاری یا لفظی متعلق هستند. مقایسه الگوی

معنایی کلیدواژه «حمله» با کلیدواژه «موضع / مواضع» نشان می‌دهد که این دو کلیدواژه اگرچه به حوزه مبدأ جنگ متعلق هستند، اما نظام‌مندی آن‌ها به یک اندازه نیست؛ به عبارت دیگر، کلیدواژه «حمله» در بافت هم‌آیندهای خود با ۹۷ درصد کاربرد لفظی، نیرومندتر از کلیدواژه‌های «موضع / مواضع» است که به ترتیب

۹۹ و ۸۵ درصد کاربرد استعاری دارند. در اینجا منظور از عبارات استعاری نیرومند، عباراتی است که کاربرد لفظی و مرتبط با حوزه مبدأ در آن‌ها بیشتر است و بنابراین هنگامی که به صورت استعاری به کار گرفته می‌شوند، در برانگیخته کردن مفاهیم حوزه مبدأ نیرومندتر عمل می‌کنند (ر. ک. سوانلون، ۲۰۰۷).

۳-۴. تحلیل باهم‌آیی‌های «دفاع»

در مورد کلیدواژه «دفاع» نیز روال محاسبه هم‌آیندهای آن و بررسی آن در فهرست واژه‌ها را مانند نمونه‌های قبل انجام دادیم. جدول ۶ نتایج این تحلیل را نشان می‌دهد.

جدول ۶ بسامد هم‌آیندهای راست و چپ کلیدواژه «عقب‌نشینی» به تفکیک معنای استعاری و لفظی

کلیدواژه	هم‌آیند	بسامد کل	استعاری	لفظی
	غیر قابل -	۱۹۹	۱۹۹	۰
	صنایع -	۵۴	۰	۵۴
	جهت -	۵۱	۴۸	۳
دفاع	موضع -	۲۱	۲۱	۰
	- موشکی	۳۶۸	۰	۳۶۸
	- مشروع	۵۴	۳	۵۱
	- جانانه	۱۹	۱۳	۶
مجموع		۷۶۶	۲۸۴	۴۸۲
درصد			۳۷٪	۶۳٪

هم‌آیندهای کلیدواژه «دفاع» توزیع‌های متنوع‌تری نسبت به کلیدواژه‌های قبلی دارند؛ مثلاً باهم‌آیی «دفاع جانانه» در ۱۳ مورد کاربرد استعاری و در ۶ مورد کاربرد لفظی دارد. در مورد باهم‌آیی «غیر قابل دفاع»، تمام ۱۹۹ نمونه یافت‌شده برای این عبارات، کاربرد استعاری دارند و

در هیچ نمونه‌ای با معنای جنگی به کار نرفته است. در مورد باهم‌آیی «دفاع مشروع»، بیشتر کاربردها معنای لفظی دارند و تنها در ۳ مورد در معنای استعاره‌ای به کار رفته است. جالب این است که کاربردهای لفظی باهم‌آیی «دفاع مشروع» در حوزه قضایی است، نه در حوزه جنگی. «دفاع مشروع» به دفاعی گفته می‌شود که فردی در صورت واقع شدن در معرض حمله جانی، مجاز است از خود دفاع فیزیکی کند. از آنجا که لیکاف و جانسون خاستگاه استعاره بحث به مثابه جنگ را ناشی از تجربه اولیه نزاع فیزیکی می‌دانند (Lakoff & Johnson, 2003: 265)، این کاربرد قضایی را نیز در زمره کاربردهای لفظی به شمار آوردیم. در باهم‌آیی «جهت دفاع» به معنی «به منظور دفاع از...» کاربرد استعاره‌ای غالب است و تنها در سه مورد به معنای لفظی به کار رفته است. روی هم رفته، باهم‌آیی‌های کلیدواژه «دفاع» نیز مانند کلیدواژه‌های قبلی به نوعی قطبی‌شدگی در کاربرد استعاره‌ای/ لفظی گرایش دارند؛ با این حال برخی از هم‌آیندها، مانند «جانانه»، در هر دو معنای لفظی و استعاره‌ای به کار رفته‌اند.

۴-۴. تحلیل باهم‌آیی‌های «عقب‌نشینی»

کلیدواژه «عقب‌نشینی» واژه‌ای مرکب است که از ترکیب دو واژه «عقب» و «نشینی» تشکیل شده است. از آنجا که این کلیدواژه هم با نیم‌فاصله به صورت «عقب‌نشینی» و هم با فاصله به صورت «عقب نشینی» نوشته می‌شود، هر دو صورت کلیدواژه را در پیکره جست‌وجو کردیم.

جدول ۷ تحلیل باهم‌آیی‌های مربوط به این کلیدواژه را نشان می‌دهد

کلیدواژه	هم‌آیند	بسامد کل	استعاره	لفظی
	خود -	۲۸	۲۲	۶
	- نیروهای	۶۸	۰	۶۸
عقب‌نشینی	- کامل	۳۸	۰	۳۸
	- ارتش	۲۵	۰	۲۵
	- فوری	۱۶	۰	۱۶
مجموع		۱۷۵	۲۲	۱۵۳
درصد			۱۳٪	۸۷٪

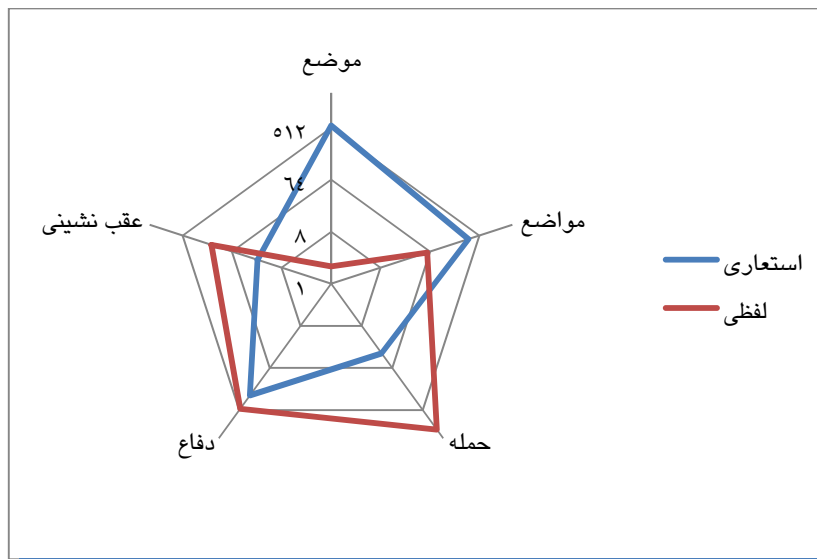
مطابق جدول ۷، تعداد هم‌آیندهای کلیدواژه «عقب‌نشینی» کمتر از کلیدواژه‌های دیگر حوزه مبدأ جنگ است. همچنین داده‌های جدول نشان می‌دهد که بیشتر باهم‌آیی‌ها در معنای لفظی به کار رفته‌اند. تنها در باهم‌آیی «... خود عقب‌نشینی...» کاربرد استعاری بر کاربرد لفظی غالب است. در بررسی نمونه‌های استعاری باهم‌آیی «خود عقب‌نشینی» و گسترش همسایگی کلیدواژه «عقب‌نشینی» تا سه واژه قبل و بعد از آن ($N \pm 3$)، الگوی کلان‌تری پدیدار می‌شود. جایگاه قبل از واژه «خود» یا $N-1$ به صفت اختصاص دارد که وجود آن اختیاری است. در جایگاه $N-2$ ، بیشتر اسامی در قالب واژه‌های «موضع»، «مواضع»، «اصول»، «حق» و ... ظاهر شده‌اند. در جایگاه $N-3$ نیز بیشتر از حرف اضافه «از» استفاده شده است. همچنین بعد از کلیدواژه «عقب‌نشینی» در جایگاه $N+1$ ، حالت‌های صرفی مختلف فعل «کردن» آمده است. الگوی کلان باهم‌آیی «خود عقب‌نشینی» را می‌توانیم به صورت فرمول ۱ گسترش دهیم:

۱. از + {موضع / مواضع / اصول / حق / اندیشه / ...} + (صفت) + خود + عقب‌نشینی + «کردن».

حرف اضافه «از» در تمام کاربردهای استعاری باهم‌آیی «خود عقب‌نشینی» به کار رفته است، درحالی‌که در کاربردهای لفظی، حرف اضافه «به» نیز دیده می‌شود. به این ترتیب باهم‌آیی «خود عقب‌نشینی» را می‌توانیم تا الگوی ساختاری و کلان‌تر شماره ۱ گسترش دهیم که درجه انتزاع نسبتاً بالاتری نسبت به باهم‌آیی ذکرشده دارد. فرمول ۱ را می‌توانیم نمونه‌ای از یک ساخت زبانی بدانیم (Goldberg, 2003) که جایگاه‌هایی از این ساخت ثابت هستند (حرف اضافه «از»، کلیدواژه «خود» و «عقب‌نشینی» و ریشه فعلی «کردن») و جایگاه‌های باقی‌مانده با عناصر واژگانی متنوع (البته با معانی مشابه در هر جایگاه) پر می‌شوند. تحلیل باهم‌آیی «خود عقب‌نشینی» نشان می‌دهد که چگونه این باهم‌آیی، مانند نمونه‌های پیشین، به یکی از کاربردهای استعاری و لفظی گرایش دارد و دامنه این گرایش حتی می‌تواند تا عبارت‌های کلان‌تر نظیر ساخت شماره ۱ گسترش یابد.

با جمع‌بندی کاربردهای استعاری و لفظی کلیدواژه‌های «موضع»، «مواضع»، «حمله»، «دفاع» و «عقب‌نشینی» می‌توانیم گرایش این کاربردها را در قالب نمودار راداری (شکل ۱) ارائه دهیم. در شکل ۱، بیشترین کاربردهای استعاری به ترتیب به کلیدواژه‌های «موضع»، «مواضع»، «دفاع»، «حمله» و «عقب‌نشینی» تعلق دارد. کلیدواژه‌های «حمله»، «دفاع»، «عقب‌نشینی»، «مواضع»

و «موضع» هم به ترتیب، بیشترین کاربردهای لفظی را دارند. همچنین عدم همپوشانی دو پنج‌ضلعی استعاری و لفظی نشانهٔ یکسان نبودن توزیع معانی استعاری و لفظی در هریک از باهم‌آیی‌ها است.



شکل ۱ نمودار راداری بسامد (مقیاس لگاریتمی) کاربردهای استعاری و لفظی کلیدواژه‌های حوزهٔ مبدأ استعارهٔ بحث به مثابه جنگ در بافت هم‌آیندهای مؤثرشان

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، از نوآوری رویکرد پیکره‌بنیاد به استعاره استفاده کردیم و دو فرض نظریهٔ استعارهٔ مفهومی را براساس داده‌های پیکره مورد ارزیابی قرار دادیم. براساس فرض اول نظریهٔ استعارهٔ مفهومی، نقش استعاره‌های زبانی نسبت به استعاره‌های مفهومی (ذهنی) حاشیه‌ای و فرعی است و طبق فرض دوم نظریه، استعاره‌های زبانی متعارف نظام‌مند هستند. فرض اول را با بررسی معنایی دو کلیدواژهٔ استعاری «موضع» و «مواضع» بررسی کردیم و دریافتیم که کاربردهای استعاری و لفظی این کلیدواژه عیناً مشابه هم نیستند؛ تعداد کاربردهای

استعاره کلیدواژه «موضع» بیشتر از کاربردهای استعاره کلیدواژه «موضع» است، درحالی‌که در کاربرد لفظی، کلیدواژه «موضع» به کلیدواژه «موضع» غلبه می‌کند. به سخن دیگر، قدرت استعاره کلیدواژه «موضع» به دلیل کاربردهای مرتبط با حوزه جنگ بیش از کلیدواژه «موضع» است. به این ترتیب براساس این نتایج، فرض اول پژوهش تأیید نمی‌شود. فرض دوم را با بررسی هم‌آیندهای مؤثر کلیدواژه‌ها به صورت فهرست‌وار و بررسی کردیم. نتایج نشان دادند که کاربردهای لفظی و استعاره باهم‌آیی‌ها به صورت یکنواخت و متعادل بین این دو کاربرد توزیع نشده‌اند و بعضی از باهم‌آیی‌ها یا بیشتر کاربرد استعاره دارند یا کاربردشان بیشتر لفظی است و در موارد نادری هر دو کاربرد متوازن هستند. این نتایج فرض دوم نظریه استعاره مفهومی را به صورت نسبی تأیید می‌کند. دینان در مورد ارتباط کاربرد استعاره/ لفظی یک کلیدواژه با نظام‌مندی می‌نویسد: «یک استعاره زمانی نظام‌مند محسوب می‌شود که شواهد پیکره‌ای حاکی از به‌کارگیری یک یا چند هم‌آیند از حوزه مبدأ در حوزه هدف استعاره باشد» (Deignan, 2005: 37). به عقیده نگارندگان، این پدیده را به صورت کلی‌تری نیز می‌توان مطرح کرد، زیرا از آنجا که برخی از هم‌آیندهای کلیدواژه‌های حوزه مبدأ نظیر «موشکی» در «حمله موشکی» یا «نظامی» در «حمله نظامی» معنای نظامی غالبی دارند، این امکان را ندارند که در حوزه هدف به صورت متعارف به‌کار روند؛ مگر اینکه به صورت استعاره بدیع ساخته شوند. بنابراین بدون نیاز به قائل شدن جهت در به‌کارگیری هم‌آیندها از حوزه مبدأ به حوزه هدف، می‌توانیم نظام‌مندی را در میزان همپوشانی کاربرد استعاره و لفظی هم‌آیندهای حوزه‌های مبدأ و هدف تعریف کنیم. هرچه میزان این همپوشانی بیشتر باشد، استعاره نظام‌مندتر است و هر چه همپوشانی کمتر باشد، استعاره نظام‌مندی کمتری دارد.

نتایج این پژوهش نتایج حاصل از پژوهش سوانلود (2007) و دینان (2005) را تأیید می‌کنند؛ اینکه عبارات استعاره درجات گوناگونی از نظام‌مندی و نیرومندی استعاره دارند و ظرایف معنای کاربردی آن‌ها پیچیده‌تر از پیش‌بینی‌های نظریه استعاره مفهومی است. نظریه استعاره مفهومی، استعاره‌های زبانی را یا نظام‌مند می‌داند که در این صورت زنده هستند، یا نظام‌مند نمی‌داند که در این صورت مرده تلقی می‌شوند. تحلیل‌های پیکره‌ای این پژوهش نشان می‌دهد که نظام‌مندی حالتی پیوستاری دارد و در عبارات زبانی عضو یک حوزه مبدأ واحد می‌تواند متفاوت باشد. مفهوم نظام‌مندی در نظریه استعاره مفهومی را در چارچوب نظریه

سرنمون^{۲۷} (Rosch, 1975) بهتر می‌توان توضیح داد؛ به این معنی که اگر عبارات استعاری حوزه مبدأ یک استعاره را نسبت به مشخصه ویژه‌ای رده‌بندی کنیم، هریک از این عبارات درجه سرنمونی متفاوتی خواهند داشت و برخی از اعضا نسبت به برخی دیگر شأن مقوله‌ای مرکزی‌تری خواهند داشت. برای نمونه در مورد استعاره بحث به مثابه جنگ، کلیدواژه «دفاع» از کلیدواژه «موضع» نظام‌مندتر است، زیرا توزیع معانی استعاری و لفظی در کلیدواژه «دفاع»، متعادل‌تر از کلیدواژه «موضع» است. همچنین کلیدواژه «حمله» به دلیل داشتن کاربردهای غالباً لفظی و مرتبط با حوزه جنگ، در مقایسه با کلیدواژه «موضع» که بیشتر کاربردهای استعاری دارد، عضو مرکزی‌تری برای مقوله نیرومندی استعاری به شمار می‌رود.

نتایج تحلیل الگوهای هم‌آیندی در این پژوهش، وجود دو نیروی متضاد در شکل‌دهی به صورت زبانی استعاره‌ها را تأیید می‌کنند (Deignan, 2005: 193). یک نیرو به صورت خلاقانه و مبتکرانه نگاشت‌های بین‌مفهومی میان حوزه‌های استعاری برقرار می‌کند که در چارچوب نظریه استعاره مفهومی قابل تبیین است. نیروی دیگر، در نیاز انسان‌ها برای برقراری ارتباط به صورت مؤثر و غیر مبهم ریشه دارد که معانی جالفتاده را با صورت‌های زبانی خاصی مرتبط می‌کند. این نیروی دوم که بیشتر تحت تأثیر بسامد کاربرد است، در سطح زبان عمل می‌کند و موجب تحولات معنایی می‌شود (Bybee, 2007 & 2010). نتایج این پژوهش را می‌توانیم در پرتو این نیروی دوم تفسیر کنیم که موجب می‌شود هم‌آیندهای کلیدواژه‌های حوزه مبدأ، یا کاربرد غالباً استعاری یا کاربرد غالباً لفظی داشته باشند. باهم‌آیی‌هایی که کلیدواژه‌های حوزه مبدأ در آن‌ها ظاهر می‌شوند، معنای کلیدواژه را به سمت داشتن یکی از معانی لفظی/ استعاری سوق می‌دهند تا اینکه کل باهم‌آیی یا ساخت کلان‌تر از آن به صورت متعارف با یکی از دو کاربرد لفظی/ استعاری مرتبط می‌شود؛ یعنی برخلاف فرض نظریه استعاره مفهومی مبنی بر تأثیر نداشتن تثبیت‌شدگی عبارات استعاری بر نظام‌مندی آن‌ها، هرچه صورت‌های استعاری زبانی بر اثر بسامد هم‌وقوعی حالتی تثبیت‌شده به خود بگیرند، از معنای اولیه خود که معنایی فقط لفظی مرتبط با حوزه مبدأ است، فاصله می‌گیرند، از نظام‌مندی آن‌ها کاسته می‌شود و استعاره زبانی برای تبدیل‌شدن به استعاره مرده تمایل بیشتری پیدا می‌کند. این پدیده نشان می‌دهد که الگوی معنایی استعاره‌های زبانی به‌طور کامل در چارچوب نظریه استعاره مفهومی قابل پیش‌بینی نیست و متعارف‌بودگی در تفکر و در زبان معادل یکدیگر

نیستند. این تحلیل به معنی انکارکردن نقش نظریه استعاره مفهومی در تبیین سازکارهای مفهومی و شناختی انسان نیست، بلکه مکملی برای غنی‌تر کردن پایه‌های نظری این نظریه شناختی و مقدمه‌ای برای درک بهتر رابطه میان ساختارهای مفهومی و ساختارهای زبانی است. رابطه ساختارهای مفهومی و زبانی همواره رابطه‌ای یک‌به‌یک و مبتنی بر تقدم تفکر بر زبان نیست و هریک از این دو سطح در تعامل با یکدیگر محتوای معنایی را شکل می‌دهند.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. conceptual metaphor theory
۲. در رویکرد شناختی به استعاره و در این پژوهش، عبارات «استعاره»، «استعاره مفهومی» یا «استعاره ذهنی» به صورت پیش‌فرض به ساختارهای مفهومی و ذهنی اطلاق می‌شوند و از نمود زبانی آنها متمایز می‌گردند. هر جا منظور نمود زبانی استعاره‌های مفهومی است، از عبارات «استعاره زبانی» یا «عبارات استعاری» استفاده شده است.
3. embodied cognition
4. source domain
5. target domain
6. mapping
7. conventional
۸. طبق سنت نظریه استعاره مفهومی، برای متمایزکردن استعاره‌های مفهومی ذهنی و استعاره‌های زبانی، از قلم پررنگ‌تر استفاده شده است و استعاره‌های ذهنی در قالب «X به مثابه Y» نوشته شده است.
9. Deignan, A.
10. emergence
11. non-literal
12. ego-moving
13. time-moving
14. fixed
15. lexicon
16. literal
17. keyword
18. primary
19. experiential correlation
20. concordance
21. collocation

22. collocate

23. T-score

24. mutual Information (MI)

25. significant

۲۶. به دلیل محدودیت صفحات مقاله، مثال‌های زبانی پیکره و فهرست‌های واژه‌نما را از مقاله حذف کرده‌ایم و فقط نتایج تحلیل این داده‌ها را ارائه داده‌ایم.

27. prototype theory

28. Rosch, E.

۷. منابع

- افراشی، آریتا، تورج حسامی و بناتریکس سالاس (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی جهتی در زبان‌های اسپانیایی و فارسی». *جستارهای زبانی*. پیاپی ۱۲. صص ۱-۲۳.
- پورابراهیم، شیرین (۱۳۸۸). *بررسی زبان‌شناختی استعاره در قرآن: رویکرد نظریه معاصر استعاره (چارچوب شناختی)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
- حسندخت، سیما (۱۳۸۸). *بررسی استعاره از دیدگاه شناختی در اشعار فروغ فرخزاد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
- حسینی، مریم (۱۳۸۵). *بررسی مجاز از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی: تلاشی در آزمون کارایی نظریه در فارسی رسمی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
- ده‌صوفیانی، زهره (۱۳۸۵). *بررسی افعال استعاری در زبان فارسی و چگونگی پردازش آن‌ها در مغز بیماران ۲۰ تا ۶۰ سال آسیب‌دیده نیمکره راست و نیمکره چپ (رویکرد عصب زبان‌شناختی)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
- شهری، بهمن (۱۳۹۰). *بررسی رابطه میان ایدئولوژی و استعاره با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
- فیروزیان پوراصفهانی، آیدا (۱۳۸۸). *بررسی ویژگی‌های استعاره و کارکرد آن در برخی متون سیاسی حاضر از دیدگاه شناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
- قانون، محمد (۱۳۸۶). *بررسی و توصیف ویژگی‌های استعاره و کارکرد آن در زبان*



- فارسی معاصر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
- نورمحمدی، مهتاب (۱۳۸۷). *تحلیل مفهومی استعاره‌های نهج‌البلاغه: رویکرد زبان‌شناسی شناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
 - یوسفی‌راد، فاطمه (۱۳۸۲). *بررسی استعاره زمان در زبان فارسی: رویکرد معناشناسی شناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.

Reference:

- AleAhmad, A.; H. Amiri; E. Darrudi ; M. Rahgozar & F. Oroumchian (2009). "Hamshahri: A Standard Persian Text Collection". *Journal of Knowledge-Based Systems*. 22 (5). Pp. 382- 387.
- Afrashi, Azita; T. Hesami & B. Salas (2012). "A Comparative Survey of Orientational Conceptual Metaphors in Spanish and Persia". *Journal of Language Related Research (Former Comparative Language and Literature Research)*. Vol 3. No 4. Summer 2012. Pp. 1-23 [In Persian].
- Bybee, J. (2007). *Frequency of Use and the Organization of Language*. Oxford: Oxford University Press.
- ----- (2010). *Language, Usage and Cognition*. NewYork: Cambridge University Press.
- Cameron, L. & A. Deignan (2006). "The Emergence of Metaphor in Discourse". *Applied Linguistics*. 27(4). Pp. 671- 690.
- Deignan, A. (2005). *Metaphor and Corpus Linguistics*. Amsterdam: John Benjamins.
- ----- (2006). "The Grammar of Linguistic Metaphors". In A. Stefanowitsch & S. T. Gries (Eds.). *Corpus-Based Approaches to Metaphor and Metonymy* (pp. 106- 122). Berlin: Mouton de Gruyter.
- ----- (2008). "Corpus Linguistics and Metaphor". In R.W. Gibbs (Ed.), *The Cambridge Handbook of Metaphor and Thought* (pp. 280- 294). Cambridge:

Cambridge University Press.

- Gibbs, R.W. (2006). "Why Cognitive Linguists Should Care about Empirical Methods". In M. Gonzalez-Marquez, I. Mittelberg, S. Coulson & M. Spivey (Eds.), *Methods in Cognitive Linguistics* (Pp. 2-18). Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Goldberg, A.E. (2003). "Constructions: A New Theoretical Approach to Language". *Trends in Cognitive Sciences*. 7. Pp. 219- 224.
- Grady, J.E. (1997). "Theories Are Buildings Revisited". *Cognitive Linguistics*. 8(4). Pp. 267- 290.
- Grondelaers, S.; D. Geeraerts & D. Speelman (2006). "A Case for a Cognitive Corpus Linguistics". In M. Gonzalez-Marquez, I. Mittelberg, S. Coulson & M. Spivey (Eds.). *Methods in Cognitive Linguistics* (Pp. 149-169). Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Johnson, M. (1987). *The Body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination, and Reason*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Lakoff, G. (1993). "The Contemporary Theory of Metaphor". In A. Ortony (ed.), *Metaphor and Thought* (Second ed.), Pp. 202-251. Cambridge: Cambridge University Press.
- -----& M. Johnson (2003 [1980]). *Metaphors We Live By*. London: The University of Chicago Press.
- ----- & M. Turner (1989). *More than Cool Reason: A Field Guide to Poetic Metaphor*. Chicago and London: University of Chicago Press.
- Ranginkaman, F. (2007). *Acquisition of Cognitive Metaphor in Pre-School Children*. M.A. Thesis. Tarbiat Modares University, Tehran.
- Rosch, E. (1975). Cognitive Representations of Semantic Categories. *Journal of Experimental Psychology*, 104. Pp. 192-233.
- Sanford, D. (2010). *Figuration and Frequency: A Usage-Based Approach to Metaphor*. Ph.D. Dissertation, The University of New Mexico, New Mexico.



- Sinclair, J. (1991). *Corpus, Concordance, Collocation*. Oxford: Oxford University Press.
- ----- (2003). *Reading Concordances: An Introduction*. London: Pearson Longman.
- Steen, G. (2007). *Finding Metaphor in Grammar and Usage: A Methodological Analysis of Theory and Research*. Amsterdam: John Benjamins.
- -----; A. Dorst; J.B. Herrmann; A. Kaal; T. Krennmayr & T. Pasma (2010). *A Method for Linguistic Metaphor Identification: From MIP to MIPVU*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Stefanowitsch, A. & S.T. Gries (Eds.). (2006). *Corpus-Based Approaches to Metaphor and Metonymy*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Svanlund, J. (2007). "Metaphor and Convention". *Cognitive Linguistics*. 18(1). Pp.47- 89.
- Pour-ebrahim, Sh. (2009). *A Linguistic Study of Metaphor in Quran: Contemporary Theory of Metaphor's Approach (Cognitive Framework)*. MA Thesis. Tehran: Tarbiat Modares University [In persian].
- Hasandokht, S. (2009). *A Cognitive Perspective on Metaphor in Farough Farrokhzad's Poems*. M.A. Thesis. Tehran: Tarbiat Modares University [In Persian].
- Hosseini, M. (2006). *The Study of Metonymy from a Cognitive Semantic Perspective: Testing the Theory in Formal Persian*. M.A. Thesis. Tehran: Shahid Beheshti University [In Persian].
- Dehsoufiani, Z. (2006). *The Study of Persian Metaphoric Verbs and Their Processing in the Brain of 20-60 Year-old Patients Suffering from Right and Left Hemisphere Aphasic (A Neurolinguistic Approach)*. M.A. Thesis. Tehran: Shahid Beheshti University [In Persian].

- Shahri, B. (2011). *A Critical Discourse Analysis Approach to the Relationship Between Ideology and Metaphor*. M.A. Thesis. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad [In Persian].
- Firouzian-Pouresfahani, A. (2009). *The Study of Metaphor Characteristics and Its Function in Political Texts from a Cognitive Perspective*. M.A. Thesis. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad [In Persian].
- Ghanoun, M. (2007). *An Analysis and Description of Metaphor Characteristics and Functions in Contemporary Persian*. M.A. Thesis. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad [In Persian].
- Nour-mohammadi, M. (2008). *Conceptual Analysis of Metaphors in Nahjolbalaghe: A Cognitive Linguistic Approach*. M.A. Thesis. Tehran: Tarbiat Modares University [In Persian].
- Yousefi-rad, F. (2003). *Time Metaphor in Persian: A Cognitive Semantic Approach*. M.A. Thesis. Tehran: Tarbiat Modares University [In Persian].
- Anthony, L. (2011). *AntConc (Version 3. 2. 2. 1) [Computer Software]*. Tokyo, Japan: Waseda University. Retrieved from [http://www. antlab. sci. waseda. ac. jp/antconc index. html](http://www.antlab.sci.waseda.ac.jp/antconc/index.html)